

اقسام خبر متواتر

□ حسن اکبری*

چکیده

اخبار و روایات موجود گزارشگر و حاکی از «سنت» (قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام) است. طریق دستیابی به سنت به دو گونه است: قطعی و غیرقطعی. طریق قطعی عبارت است از خبر متواتر و خبر محفوظ به قرینه. از آنجا که خبر متواتر یکی از راه‌های علم و قطع پیدا کردن به «سنت» است، مورد توجه دانشمندان علم داراییه و رجال قرار گرفته است. آنان بحث‌های زیادی را درباره تعریف، شرایط، اقسام و وجود مصادیق آن انجام داده‌اند. مشهور آن را به تواتر لفظی و معنوی تقسیم نموده‌اند. در تعریف و شرایط (شرایط تحقق و شرایط حصول علم) این دو نوع خبر، اختلاف چشمگیری نیست. کثرت مصادیق تواتر معنوی امر اتفاقی است؛ اما در مصادیق تواتر لفظی، برخی قائل به کمی آن هستند. بعضی از بزرگان از تواتر دیگری به نام «تواتر اجمالی» یاد کرده‌اند که شدیداً مورد اختلاف است، هم در اصل وجود آن و هم در تعریف آن. ریشه این اختلاف، ابهام و اجمالی است که در این تواتر وجود دارد. از مجموع مطالب بیان‌شده در این تحقیق به دست می‌آید که تواتر اجمالی وجود دارد و بیشتر اشکالات وارد بر آن قابل پاسخ است. یکی از اشکالات مهم، قلیل‌الجدوی بودن آن است که قابل رد است؛ اما این نکته را بیان می‌کند که اثبات این تواتر در موارد متعددی که ادعای تواتر شده است، کار آسانی نیست.

واژگان کلیدی: خبر، تواتر، تواتر لفظی، تواتر معنوی، تواتر اجمالی، خبر متواتر.

مقدمه

منابع و مآخذی که فقهای اعلام، احکام و قوانین الهی را از آن‌ها استنباط می‌نمایند عبارت‌اند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل. اولین و اصلی‌ترین منبع در این خصوص، کتاب خدا است؛ زیرا هیچ حکمی نباید مخالف قرآن باشد، چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «ما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه.» (کلینی، ۱/۱۴۲۹، ص ۶۹) پس از قرآن کریم، «سنت» که عبارت از قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام است، قرار دارد که از مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار برای دریافت آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود. اخبار و روایات موجود، همه گزارشگر و حکایتگر «سنت» هستند، نه اصل سنت؛ زیرا اصل سنت در زمان معصوم علیه السلام واقع شده است و آن زمان نیز به حسب متصرم بودنش گذشته و وجود ندارد. دلیل حاکی بودن این اخبار بسیار روشن است؛ زیرا اگر این احادیث، خود «سنت» می‌بودند، بحث‌هایی مانند صحیح، حسن و... در آن‌ها راه نداشت و کاملاً بی‌معنا بود؛ چون «سنت» منبع آموزه‌های اسلامی است، منبع را نمی‌توان به صحیح و حسن و... تقسیم کرد و مورد ارزیابی قرار داد.

از آنجا که این اخبار حاکی از «سنت» هستند و خود «سنت» نیستند، حدیث‌پژوهان در مورد این روایات در سه محور - که عبارت‌اند از صدور، اعتبار و فهم روایت - بحث‌های فراوانی انجام داده‌اند. آنچه در این میان قبل از همه مورد بحث قرار می‌گیرد، بحث اصل صدور است؛ یعنی آیا با این روایات می‌توان کلام، فعل و تقریر معصوم علیه السلام را که در آن زمان از وی صادر شده است، اثبات کرد یا خیر؟ پس از اثبات صدور، نوبت به بحث اعتبار و تفسیر و دلالت آن می‌رسد. بحث اثبات صدور یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی حدیث‌پژوهان بوده است. علت آن نیز روشن است، زیرا جعل حدیث از همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله توسط جُعْلان حدیث آغاز گردید و تا زمان امامان معصوم علیهم السلام ادامه یافت. برای حل این مشکل و شناخت حدیث درست از نادرست، علم درایه و رجال به وجود آمد. معیارهای دیگری نیز در کنار بررسی سندی برای دستیابی به این هدف مورد توجه قرار گرفت. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲/، ص ۲۵۰)

طریق دست‌یابی به سنت به دو گونه است: قطعی و غیرقطعی. طریق قطعی عبارت است از خبر متواتر و خبر محفوف به قرینه. طریق غیرقطعی نیز اقسامی دارد که معتبرترین آنها خبر

واحد است. از آنجا که تواتر یکی از راه‌های علم به صدور است، دانشمندان علم دارا به و رجال در مورد تعریف، شرایط، اقسام و وجود مصادیق آن بحث‌های زیادی نموده‌اند. در این میان، آنچه از همه بحث‌برانگیزتر بوده و مورد اختلاف قرار گرفته است، تواتر اجمالی است؛ زیرا نه تنها در اصل وجود آن اختلاف است، بلکه قائلین به وجود آن نیز در تعریف آن اتفاق نظر ندارند. ریشه این اختلاف را می‌توان در ابهام و اجمالی که در این تواتر وجود دارد جستجو کرد؛ زیرا این تواتر از یک سو نوظهور است و از سوی دیگر کسانی که آن را اولین بار به کار بردند، تصویر واضحی از آن ارائه نکرده‌اند. این امر نه تنها موجب اختلاف گردیده است، بلکه عده‌ای بدون آنکه تصویر واضحی از این تواتر داشته باشند، برای اثبات مدعای خود به این تواتر استدلال می‌کنند. بر همگان روشن است که چنین روشی پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. حال با توجه به این مطالب باید گفت: انجام یک تحقیق جامع و کامل در مورد تواتر و اقسام آن ضروری است تا اولاً اصل بحث و مطلب به صورت مستدل روشن گردد و ثانیاً برخی از زوایای پنهان آن که منشأ اختلاف شده است نیز آشکار شود.

مفهوم‌شناسی

بررسی و تبیین مفاهیم واژگان قطعاً نقش بسزایی در روشن شدن مطلب و موضوع بحث دارد؛ بدین جهت در اینجا نیز لازم است واژه‌هایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با این بحث هستند، توضیح داده شوند تا در فهم مطلب ما را یاری رسانند.

خبر در لغت

«خبر» به ضم خا (خُبِرَ) مصدر است از باب: خَبَرَ، يَخْبُرُ، خُبْرًا و به معنای علم و آگاهی به یک چیز است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ص ۲۳۹؛ فیومی، ۱۴۱۴، ص ۱۶۲). در قرآن کریم آمده است: «وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا» (کهف: ۶۸)؛ و چگونه صبر می‌کنی بر چیزی که احاطه بر آن نداری و آن را درست نمی‌دانی. اما خبر به فتح خا (خَبَرَ) به معنای آنچه که آن را نقل کنند و اطلاع دهند، آمده است. در مصباح المنیر آمده است: «و اسْمُ مَا يَنْقُلُ وَ يَتَحَدَّثُ بِهِ (خَبَرٌ) وَ الْجَمْعُ (أَخْبَارٌ)». (فیومی، ۱۴۱۴، ص ۱۶۲؛ علی اکبر قرشی، ۱۳۷۰ ش، ۲، ص ۲۲۰) خبر،

اسم آن چیزی است که از آن نقل و گفت‌وگو می‌شود و جمع آن اخبار است. در سوره نمل آمده است: **إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ** (نمل، آیه: ۷). موسی به خانواده‌اش گفت: من آتشی دیدم؛ به زودی از آن برای شما خبری می‌آورم. صاحب کتاب التحقيق «خبر» را به معنای وسیله اطلاع و رسیدن به علم می‌داند آنجا که گفته است: **وَأَمَّا الْخَبَرُ بَفَتْحَيْنِ اسْمًا: فَإِنَّهُ وَسِيلَةُ الْإِطْلَاعِ وَالْوَصُولِ إِلَى الْتَخْبِيرِ وَالْعِلْمِ**. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۵) در نتیجه، خبر هم به معنای «مخبر به» آمده و هم به معنای وسیله گزارش؛ جامع این دو، همان گزارش و اطلاع‌رسانی است.

خبر در اصطلاح

خبر در اصلاح محدثان مرادف با «حدیث» است. محدثان را از آن جهت اخباری می‌گویند که آنان با حدیث سروکار دارند و آن را شغل خودشان قرار داده‌اند. البته منظور از این «اخباری» غیر از آن اخباری است که در مقابل اصولیان قرار دارد. (سبحانی، ۱۴۲۶، ص ۱۹)

تواتر در لغت

واژه «تواتر» در لغت به معنای پی‌درپی و پشت‌سرهم آمدن چند چیز (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۱) بافاصله و مهلت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۷۵) «تترا» در آیه شریفه **ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا** (مؤمنون، آیه: ۴۴) نیز به همین معناست. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۸۵۳). یعنی رسولی پس از رسولی فرستادیم، که بین آن‌ها فاصله بوده است. در نتیجه به «آمدن یکی پس از دیگری که همراه بافاصله است» تواتر اطلاق می‌گردد. این واژه از ریشه «و-ت-ر» گرفته شده که معنای «فرد» (ابن قیّیه، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۲۱) است. باتوجه به این توضیحات، متواتر، وصف چیزی است که تحقق آن به تدریج و پی‌درپی حاصل می‌گردد.

تواتر در اصطلاح

برای تواتر تعریف‌های زیادی شده است در اینجا به چند تعریف اشاره می‌کنیم.
تعریف اول: **هو خبر جماعة يفيد بنفسه القطع بصدقه** (میرزای قمی، ۱۴۳۰، ج ۲ ص ۳۶۸؛

عاملی، بی‌تا، ص ۱۸۳؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ص ۴) خبر گروهی است که از قول آنان، بنفسه و بدون کمک قرائن خارجی، قطع به راستی و درستی آن حاصل می‌شود. قید «بنفسه» برای اخراج قرائن خارجی است؛ زیرا اگر خبری با کمک قرائنی خارجی مفید علم باشد به آن خبر متواتر نمی‌گویند؛ چرا که چنین خبری «یفید بنفسه» نیست.

اشکالی این تعریف آن است که مانع اغیار نیست؛ زیرا ممکن است سه نفر از حادثه‌ای خبر دهند و از گفته آنان علم به صدق و درستی آن خبر حاصل گردد، درحالی‌که به چنین خبری متواتر نمی‌گویند. (سبحانی، ۱۴۲۶، ص ۲۵)

تعریف دوم: خبر جماعة بلغوا فی الکثرة إلى حد أحوال العادة اتفاقهم و تواطؤهم علی الکذب، و یحصل بأخبارهم العلم. (مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۰-۸۱). روایت متواتر در اصطلاح «خبری است که سلسله راویان آن در هر طبقه به اندازه‌ای باشند که امکان توافق آنان بر کذب به طور عادی محال باشد و خبر آنها موجب علم گردد. همین مضمون، با عبارات دیگر نیز بیان شده است مانند: خبر جماعة يؤمن تواطؤهم علی الکذب عادة و إن کان للوازم الخبر دخل فی إفادة تلك الکثرة العلم. (میرزای قمی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۶۹). هو: ما بلغت رواه فی الکثرة مبلغاً أحوال العادة تواطؤهم أى اتفاقهم علی الکذب. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۲). در این تعریف و امثال آن بر «کثرت» تمرکز شده است؛ یعنی عدد مخبرین باید به حد از کثرت برسد که تواطوء و اتفاق آنها بر کذب، عادتاً محال باشد.

اشکال این تعریف آن است که صرف علم داشتن -چه علم به امتناع تبانی مخبرین بر کذب و چه علم به عدم تبانی آنها بر کذب- دلیل بر راستی خبر نیست؛ زیرا دروغگویی اسباب دیگری مانند حب و بغض نیز دارد (سبحانی، ۱۴۲۶، ص ۲۰-۲۶). بیان مطلب اینکه: حتی اگر مطمئن باشیم که تبانی‌ای در کار نیست، اما باز هم نمی‌توان به چنین خبری علم یا اطمینان پیدا کرد؛ زیرا دروغ همیشه با قصد و آگاهی و تبانی صورت نمی‌گیرد، زیرا برخی مواقع عده‌ای بدون آنکه که متوجه باشند، به واسطه زمینه‌های مشترک اجتماعی و فرهنگی مانند تمایل و بیزاری‌های مذهبی یا همسوی با حکومت، یک خبر را جعل می‌کنند یا زمینه سوءبرداشت و خطای دیگران را از آن خبر فراهم می‌سازند، بدون آنکه تبانی و هماهنگی در کار باشد. در

نتیجه این تعریف، مانع اغیار نیست. البته این اشکال بر تعریف‌های اول دوم نیز وارد است. برای رهای از این اشکال، عبارت «يؤمن معه من تعمدهم الكذب» در تعریف اضافه گردد تا اشکال کاملاً مرتفع شود. (همان.)

شروط تواتر

برای تواتر شروطی وجود دارد که به دو دسته تقسیم می‌گردد شروط تحقق تواتر و شروط حصول علم. (جعفر سبحانی، ۱۴۲۶، ص ۳۰-۳۱) در ذیل به هرکدام از آنها اشاره می‌گردد.

الف) شرایط حصول و تحقق تواتر

۱. شمار راویان به اندازه‌ای باشد که هم آهنگی آن‌ها بر دروغ‌گویی به گونه عادی محال باشد. (ابن شهید ثانی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ میرزای قمی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۸۰)
 ۲. مستند خبردهندگان طبقه اول، حس باشد نه حدس؛ زیرا اشتباه در امور حدسی فراوان است. (سبحانی، ۱۴۲۶، ص ۳۱)
 ۳. شمار راویان در تمامی طبقات به حدّ تواتر باشد. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۲؛ مظفر، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۷۱)
 ۴. ناقلان، علم و قطع به صحت داشته باشند نه شک و گمان. (محقق حلی، ۱۴۲۳، ص ۲۰۰؛ الغزالی، ۱۳۲۴، ج ۱، ص ۱۳۴)
- شرایط دیگری نیز در این زمینه بیان است شده مانند؛ مسلمان بودن، عادل بودن، اختلاف نسبت با همدیگر داشتن، یکی نبودن در مذهب، وجود داشتن امام معصوم علیه السلام در بین مخبرین، محصور نبودن مخبرین در یک بلد و عدم اکراه در نقل خبر (الغزالی، ۱۳۲۴، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰) که مورد قبول قرار نگرفته و به صراحت رد گردیده است. (محقق حلی، ۱۴۲۳، ص ۲۰۲؛ مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۷-۹۸)

ب) شرایط حصول علم

۱. شنونده، عالم به مضمون خبر نباشد تا تحصیل حاصل لازم آید.
۲. ذهن شنونده نسبت به مفهوم خبر، با اشکالاتی، مشوّش نشده باشد. (الشهید الثانی،

۱۴۰۸، ص ۶۳-۶۴؛ ابن شهید ثانی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۸-۲۵۹)

اگر چه مجموع این شرایط چه در حصول تواتر و چه در حصول علم، به طور یک پارچه و یک جا نیامده است، لکن بسیاری از کتاب‌های تفصیلی درباره آن‌ها بحث کرده‌اند. شرایط تحقق تواتر در واقع مربوط به مخبرین می‌گردد و شرایط حصول علم مربوط به سامعین و مخاطبان. (رحمانی، شماره ۵، ۱۳۸۸/۵/۱۱)

خبر واحد و متواتر

«خبر» که مقصود از آن همان روایت و حدیث است بر اساس معیارهای مختلف، دارای اقسام گوناگونی است. در یک تقسیم‌بندی بر اساس «تعداد راویان» در هر طبقه، به متواتر و واحد تقسیم می‌گردد. گرچه فرق بین خبر واحد و متواتر از تعریفی که برای تواتر بیان گردید، روشن می‌گردد؛ اما برای آنکه فرق این دو کاملاً واضح و مشخص گردد به نحو اختصار به تعریف «خبر واحد» نیز اشاره می‌گردد.

تعریف خبر واحد

خبر واحد در اصطلاح خبری است که مفید یقین و اطمینان نیست چه روات آن زیاد باشد و چه کم؛ در مقابل آن، خبر متواتر و خبری محفوف به قرائن است که یقین آور است. (حکیم، ۱۴۱۸، ص ۱۹۸) تعاریف بیشتر علما به این بر می‌گردد که خبر واحد، خبری است که به حد تواتر نرسد؛ اعم از این که راویان کم باشند یا زیاد. در بیان شهید ثانی در کتاب الرعاية. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۹-۷۰) و دیگران (ر.ک، سید حسین صدر، بی‌تا، ص ۱۰۲؛ مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲۵) تصریح شده است که خبر مستفیض نیز از اقسام خبر واحد است.

خبر متواتر

بعد از بیان تعریف تواتر و شرایط آن، اقسام خبر متواتر مورد بحث قرار می‌گیرد که در حقیقت این بحث، مقصود اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد. در ادامه بعد از تقسیم اجمالی و کلی تواتر، هر کدام تا آنجا که لازم است مورد بحث و تبیین قرار خواهد گرفت.

اقسام خبر متواتر

خبر متواتر به لحاظ «الفاظ» و هم چنین به لحاظ «اجمال و تفصیل» به اقسام مختلفی تقسیم گردیده است که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد.

۱. خبر متواتر لفظی و معنوی: اکثر از اصولیان و درایه نگاران، خبر متواتر را به لحاظ «الفاظ» آن، به این دو قسم تقسیم نمودند؛ در نتیجه خبر متواتر در نزد آنان به خصوص در نزد متقدمان، منحصر به همین دو قسم است.

۲. خبر متواتر تفصیلی (لفظی و معنوی) و اجمالی: عده‌ای از فقها در این اواخر، (منتظری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۸۷؛ سبحانی، ۱۴۲۶، ص: ۳۶) این خبر را به اعتبار «اجمال و تفصیل» به این دو قسم تقسیم کردند. بر اساس این تقسیم، خبر متواتر دارای سه فرد است.

۳. خبر متواتر لفظی، معنوی و اجمالی. این تقسیم، همان تقسیم دوم است تنها در لحاظ تقسیم و شکل با هم فرق دارند. تقسیم دوم به اعتبار اجمال و تفصیل بود و این تقسیم ظاهراً به لحاظ اصل حصول علم است؛ و الا منهای این فرق، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. بعد از ذکر این تقسیمات، هر کدام از موارد فوق را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

متواتر لفظی

متواتر لفظی، عبارت از خبری است که همه گزارشگران مضمون آن را در قالب یک لفظ، گزارش کرده باشند. در مقباس الهدایة آمده است: ما إذا اتحد ألفاظ المخبرین فی خبرهم. (مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۱) صاحب منتهی الدرایة نیز در این زمینه گفته است: و هو عبارة عن اخبار جماعة بلفظ واحد عن واقعة واحدة یوجب حصول العلم. (جزایری، ۱۴۱۵: ۴/۴۲۳) در نتیجه تواتر لفظی به خبری گفته می‌شود که همه مخبرین یک مطلب و قضیه را با لفظ و عبارت واحد و مثل هم، نقل نمایند مثل خبر مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۳۶۴) که همه روایات طبق آنچه که گفته شده است، عین این عبارت را بدون کم و زیاد نقل نموده‌اند. با توجه به تعاریفی که برای تواتر لفظی ذکر شده است قریب به اتفاق آنها نسبت به «اتحاد و یکی بودن الفاظ» (ر.ک: محمدی بامیانی، ۱۴۳۰: ۴/۲۶۶؛ جزائری،

۱۴۱۵: ۴/۴۲۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۶: ۱۷/۴) در این تواتر، تأکید و تمرکز دارند، نتیجه می‌گیریم که رکن و اساس این تواتر، «اتحاد و یکی بودن الفاظ» است.

متواتر لفظی به دو قسم تقسیم می‌گردد

۲ الف: گاهی تمام خبر، متعلق تواتر است مانند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِامْرِئٍ مَّا نَوَى الْخَيْرَ». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۳) در صورت که این خبر، متواتر باشد کما اینکه چنین ادعای شده است. (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۳؛ سبحانی، ۱۴۲۶، ص ۳۶) بر خلاف شهید ثانی رحمته الله که قائل به تواتر حدیث فوق نیست. (الشهید الثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶-۶۷)

ب: گاهی بخش از الفاظ یک خبر، متعلق تواتر است مانند: «من كنت مولاه فعلى مولاه»، حدیث ثقلین «إني تارك فيكم الثقلين» و روایات «من حفظ أربعين حديثاً» که تنها همین عبارات بدون کم و زیاد به صورت متواتر نقل گردیده است؛ اما سایر عبارات احادیث فوق با همدیگر اختلاف دارند (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۳؛ سبحانی، ۱۴۲۶، ص ۳۶) یعنی اتحاد الفاظ در آنها وجود ندارد. از عبارت شیخ انصاری رحمته الله استفاده می‌شود که روایات «من حفظ أربعين حديثاً» از روایات متواتراند زیرا ایشان در خصوص این روایات، تعبیر به: «النبوی المستفیض بل المتواتر» (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۰۷). نموده است که ظهور در متواتر بودن آنها دارد.

مصادیق خبر متواتر لفظی

در این که خبر متواتر لفظی در مجامع روایی وجود دارد یا نه، در صورت وجود داشتن، آیا تعداد آنها قابل توجه است یا بسیار کم؟ در بین صاحب نظران علوم حدیث اعم از خاصه و عامه دیدگاه واحدی وجود ندارد؛ بلکه عده‌ای دچار افراط شدند و عده‌ای دیگر دچار تفریط. از بین عالمان شیعه شهید ثانی رحمته الله از دسته دوم است. خلاصه سخن ایشان در این زمینه آن است که گفته است «تابعال خبری را که در حدّ تواتر باشد، نیافته‌ام... اگر اخباری به عنوان خبر متواتر مشهور شده است در واقع متواتر نیستند؛ زیرا اگر کسی از روی انصاف تحقیق کند می‌بیند که این اخبار در طبقه اول، فاقد شرط تواتر است؛ چون ثابت نشده که راویان به اندازه متواتر باشند.

اینکه بعضی از متأخرین ادعای وجود کثرت تواتر نموده است، یک امر عجیب و شگفت‌انگیز است. البته در این میان می‌توان روایت «مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدٍ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۴) را به عنوان خبر متواتر لفظی پذیرفت؛ زیرا گروه زیادی از صحابه که تعدادشان به چهل یا شصت و دو نفر می‌رسند، آن را از رسول الله ﷺ نقل کرده‌اند. (الشهید الثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۸-۶۹)

مصادیق خبر متواتر لفظی از نظر عالمان عامه

از اهل سنت مانند ابن حجر عسقلانی (العسقلانی، ۱۴۲۲: ۴۸)، قاضی عیاض و حافظ (دکتر عبدالکریم زیدان و دیگران، ۱۴۰۹: ۵۲) در این خصوص دچار افراط شده‌اند؛ زیرا معتقد به زیادی این گونه اخبارند. در مقابل، عده‌ای دیگر راه تفریط را در پیش گرفته‌اند و بر این عقیده‌اند که چنین خبری یا اصلاً وجود ندارد یا بسیار کم است از جمله «ابن صلاح» منکر اخبار متواتر لفظی است، وی در این زمینه نوشته است: «ومن سئل عن ابراز مثالٍ لذلك فيما يُروى من الحديث أعياء تطلبه» (ابن الصلاح، ۱۴۰۶: ۲۶۸) شخصی که از او درباره بیان مثالی برای خبر متواتر، پرسش شد، پیدا کردن آن، او را خسته کرد. سیوطی که یکی دیگر از عالمان عامه است، اعتقاد به کمی خبر متواتر لفظی دارد. او در این خصوص گفته است: «از جمله خبرهای صحیح و مشهور خبر متواتر است... و آن اندک است.» (سیوطی، ج ۲، ص ۱۷۶). از آن چه گذشت روشن گردید که عالمان سنی نسبت به تحقق خبر متواتر لفظی، دچار افراط و تفریط شدند. در این میان مرحوم سید حسن صدر صاحب کتاب «نهایه الدرایه» نگاه اعتدالی دارد و فرموده است: «أقول: لا إفراط ولا تفریط، فإن حديثي الغدير والمنزلة متواتران عندنا و حديث «من كذب علي...» متواتر بالاتفاق، بل الحق أن التواتر اللفظي في أخبارنا غير عزيز، لتدوين الأصول الأربعمأة وغيرها في أيامهم.» (صدر، بی‌تا، ص ۱۰۰) مذهب حق آن است که در میان عامه و خاصه روایات متواتر لفظی وجود دارند مانند: حدیث غدیر خم و حدیث منزلت در میان خاصه و حدیث «من کذب...» در میان عامه و خاصه. بلکه حقیقت مطلب در مکتب اهل بیت علیهم السلام آن است که تواتر لفظی در مجامع روایی ما کم نیست؛ زیرا اصول اربعمأة و غیر آن در زمان معصومین علیهم السلام تدوین و گردآوری شده است.

متواتر معنوی

متواتر معنوی خبری است که مضمون آن در قالب تعبیرات مشابه با الفاظ مختلف بیان گردد. به بیان دیگر: متواتر معنوی، عبارت از خبری است که همه روایان مضمون واحدی را در قالب عبارات و الفاظ مختلف نقل کنند. در مقیاس الهدایة آمده است:

ما إذا تعدت ألفاظهم و لكن اشتمل كل منها على معنى مشترك بينها بالتضمن أو الالتزام، و حصل العلم بذلك القدر المشترك بسبب كثرة الأخبار. (مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۱) متواتر معنوی خبری است که دارای الفاظ متعدد و مختلف است اما همه مشتمل بر یک معنای است که مشترک بین آنها است و این اشتراک معنا نیز از راه دلالت تضمنی یا التزامی دانسته می شود و با زیاد بودن اخبار و روایات، علم و قطع به قدر مشترک حاصل می گردد. صاحب منتهی الدرایة نیز در این زمینه گفته است:

و هو اخبار جماعة بألفاظ مختلفة مع اشتمال كل منها على معنى مشترك بينها سواء كان ذلك المعنى المشترك مدلولاً عليه بالدلالة المطابقة ... أم بالدلالة التضمنية، ... أم بالدلالة الالتزامية ... (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۲)؛ متواتر معنوی به خبری گفته می شود که الفاظ آن، متعدد و مختلف است لکن همه مشتمل بر یک معنای است که مشترک بین آنها است در این زمینه تفاوتی وجود ندارد که چنین معنای، مدلول مطابقی این الفاظ باشد یا مدلول تضمنی و التزامی آنها؛ مهم آن است همه بر چنین معنای دلالت کنند.

اقسام متواتر معنوی

خبر متواتر معنوی نیز دارای اقسامی است که به نحو اختصار به آنها اشاره می گردد.

۱. اخبار فراوانی که از نظر لفظ اختلاف دارند، اما با دلالت مطابقی بر یک معنای واحد دلالت می کنند مانند اخباری که در مورد «گره» وارد شده است که دارای عبارات مختلفی است مثل: «الهرة طاهرة»، «أنها نظيفة»، «السنور نظيف» و ... (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۲۷، ب ۲ من ابواب الآسار) با اینکه عبارات مختلف است؛ اما همه آنها با دلالت مطابقی،

به یک معنا؛ یعنی پاکی «گربه» دلالت دارند. بنابراین معنای مطابقی (پاک بودن گربه)، متواتر است. همچنین بعید نیست روایاتی که در مورد نجس شدن آب قلیل با صرف ملاقات با نجاست، وارد شده‌اند، (شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۲۲۷، ب ۸ و ۹ من ابواب الماء المطلق) متواتر باشند؛ زیرا از مجموع این روایات که منطوقاً و مفهوماً دلالت به نجاست چنین آبی می‌کنند، انسان قطع به تواتر آنها پیدا می‌کند. و این دلالت نیز از باب دلالت مطابقی است. (جزایری، ج ۴، ص ۴۲۲)

۲. اخبار زیادی که با دلالت تضمنی، بر یک مفهوم دلالت می‌کنند مانند: روایت دال بر حرمان زوجه در ارث بردن از بعضی از ترکه، که اصل حرمان فی الجمله مورد تواتر است. تنها خلاف در آن چیزهای است که زوجه از آن محروم شده است. (حر عاملی، ج ۱۷، ب ۶ من أبواب میراث الأزواج)

۳. اخبار متواتری که با دلالت التزامی بر یک مفهوم دلالت می‌کنند بی‌آنکه این مفهوم مقصود اصلی مخبرین باشد مانند: احادیث غزواتی که امام علی علیه السلام در آنها شرکت داشته است و روایات بخشش‌های حاتم طایی، که این اخبار دلالت التزامی بر شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام وجود و سخاوت حاتم دارد. (جزایری، ج ۴، ص ۴۲۲؛ رحمانی، شماره ۵، ۱۳۸۸/۵/۱۱)

همچنین روایات فراوانی که در مورد آب قلیل وارد شده است با اینکه از نظر لفظ اختلاف دارند، اما با دلالت التزامی بر یک معنای واحد دلالت می‌کنند مانند این که برخی از روایات از وضو گرفتن با آب قلیلی که با نجاست ملاقات کرده، نهی می‌کنند و برخی دیگر نوشیدن آن را منع می‌کنند پاره‌ای دیگر، غسل کردن با آن را ناروا می‌دانند و بعضی دیگر، تطهیر با آن را جایز نمی‌دانند. مجموع این روایات، دلالت التزامی بر یک مفهوم دارند و آن نجاست آب قلیل است. (رحمانی، ش ۵، ۱۳۸۸/۵/۱۱)

تفاوت این قسم با صورت قبلی (احادیث غزواتی که امام علی علیه السلام و روایات بخشش‌های حاتم طایی) در این است که در این جا راوی قصد بیان مدلول التزامی را دارد بر خلاف صورت اول که هدف او در هر یک از آن وقایع، قصد بیان واقعه است نه بیان مدلول التزامی. (همان)

باتوجه به تعاریف و مطالبی که برای تواتر معنوی بیان گردیده است به‌خوبی می‌توانیم

بفهمیم که رکن اصلی و اساسی این تواتر عبارت است از همان «معنای مشترک» که همه به یکی از دلالت‌های سه‌گانه به چنین معنای دلالت دارند. در نتیجه در خبر متواتر، تعبیر و عبارات مختلف است؛ اما مضمون، مضمونی مشترکی است؛ یعنی به «قدر مشترکی از مضمون چند حدیث» تواتر معنوی گفته می‌شود.

مصادیق و موارد خبر متواتر معنوی

تحقق خبر متواتر معنوی و اجمالی بی‌نیاز از اقامه برهان است، به ویژه اخبار متواتر اجمالی. (رحمانی، ش ۵، ۱۳۸۸/۱۱/۵) شهید ثانی در این باره می‌نویسد:

وهو أي: التواتر متحقق في اصول الشرائع كوجوب الصلاة اليومية، وأعداد ركعاتها، والزكاة، والحج، تحققاً كثيراً وفي الحقيقة مرجع إثبات تواترها إلى المعنوي لا اللفظي... (الشهيد الثاني، ۱۴۰۸ ص ۶۶)؛ خبر متواتر نسبت به اصول شریعت (همانند وجوب نمازهای یومیه و شمار رکعات آن و وجوب زکات و حج) زیاد است و برگشت تواتر در این موارد به تواتر معنوی است.

متواتر اجمالی

در رابطه با تواتر اجمالی حرف و کلام زیاد است هم در اصل وجود و عدم وجود آن اختلاف نظر است هم در تعریف آن به این بیان که عده‌ای از بزرگان آن را پذیرفته‌اند و عده‌ای دیگر از جمله مرحوم نائینی. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۳) البته ایشان در کتاب فوائد الاصول با آنکه از این تواتر نام برده است اما رد و نفی نکرده است. و به عبارات ذیل اکتفا نموده است.

ولا يتوهم: أنَّ هذه الأخبار من أخبار الآحاد ولا يصح الاستدلال بها لمثل المسألة، فإنّها لو لم تكن أغلب الطوائف متواترة معنى فلا إشكال في أنَّ مجموعها متواترة إجمالاً، للعلم بصدور بعضها عنهم صلوات الله عليهم أجمعين. و الإنصاف: أنَّ التبع في هذه الأخبار يوجب القطع باعتبار الخبر الموثوق به (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳؛ ص ۱۹۱) و علامه طباطبائی (طباطبائی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۷) آن را نفی کردند و معتقدند که چنین تواتری اساساً وجود ندارد. گروه اول که قائل به وجود چنین تواتری هستند، خود در تعریف آن نیز اختلاف نظر

دارند. البته این اختلاف دیدگاه تنها در بین عالمان شیعی است؛ اما عالمان «عامه» از آنجاکه تواتر را منحصر به دو قسم لفظی و معنوی می‌دانند و از تواتری اجمالی بحث نکرده‌اند، اختلاف از اساس در میان آن‌ها منتفی است.

آنچه مشهور و معروف است این است که مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایة الاصول، مبتکر «تواتر اجمالی» است؛ زیرا ایشان نخستین فردی است که در آثار خود چه در کفایه (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۱-۳۰۲) و چه در حاشیه بر فرائد الاصول شیخ انصاری رحمته الله ما. (آخوند خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۱۰۴) از چنین تواتری نام برده است. (حلی، ۱۴۳۲، ج ۶، ص: ۴۵۲؛ جزایری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۳۲) مرحوم آخوند در موارد مختلفی به این تواتر استدلال نموده است از جمله در بحث حجیت خبر واحد در جواب این اشکال که اخبار آحاد نمی‌توانند دلیل بر حجیت خبر واحد باشند؛ چون مستلزم دور است از سوی دیگر متواتر لفظی یا معنوی نیستند تا چنین مشکلی پیش نیاید، می‌نویسد: «و لکنه مندفع بأنّها و إنّ کانت کذلک إلا أنّها متواترة إجمالاً ضرورة أنه يعلم إجمالاً بصدور بعضها منهم عليه السلام» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۲)؛ این اخبار گرچه متواتر لفظی و یا معنوی نیستند اما متواتر اجمالی هستند زیرا اجمالاً علم به صدور بعضی از آنها از معصومین عليهم السلام داریم. ایشان در قاعده لاضرر نیز استدلال به تواتر اجمالی نموده است. (- عین عبارت ایشان در بحث لاضرر: هی کثیرة وقد ادعی تواترها مع اختلافها لفظاً و مورداً فلیکن المراد به تواترها إجمالاً بمعنی القطع بصدور بعضها. (آخوند خراسانی، ص ۳۸۱)

البته بعضی‌ها بر این عقیده است که گرچه آخوند خراسانی اولین بار این اصطلاح را بکار برده است اما شیخ انصاری رحمته الله به چنین تواتری توجه داشته است زیرا ایشان در باره ادعای تواتری که صاحب وسائل نسبت به روایات حجیت خبر واحد نموده است، می‌گوید: و قد ادّعی فی الوسائل تواتر الأخبار بالعمل بخبر الثقة (حرعاملی، ج ۲۰، ص ۹۳، الفائدة الثامنة)، إلا أنّ القدر المتیقّن منها هو خبر الثقة الذی یضعف فی احتمال الکذب علی وجه لا یعتنی به العقلاء و یقبّحون التوقّف فیہ لأجل ذلک الاحتمال؛ (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۰۹) قدر متیقّن از این روایات، خبر ثقه‌ای است که احتمال دروغ بودن آن قدر کم است که به چنین احتمالی اعتنا نمی‌کنند و توقف در آن را به خاطر این احتمال زشت می‌شمارند.

تعریف تواتر اجمالی

برای تواتر اجمالی تعاریف متفاوتی ارائه شده است که با یکدیگر سازگاری ندارند. برخی از این تعاریف در واقع بازگشت به تواتر معنوی دارد؛ یعنی تواتر معنوی را با بیانی دیگر، تواتر اجمالی نامیده‌اند. این نوع تعاریف‌ها که تفاوت اساسی بین تواتر معنوی و تواتر اجمالی را روشن نمی‌کنند، در واقع موجب خلط بین این دو نوع تواتر شده‌اند. این خلط ناشی از عدم تمییز دقیق میان تواتر لفظی و تواتر معنوی است؛ زیرا اگر حد و حدود هر یک از این دو تواتر معیار و ملاک آن دو، مشخص نشود، به‌طور طبیعی چنین اختلافاتی پیش خواهد آمد.

در این تحقیق تلاش شده تا هر کدام از تواتر لفظی و معنوی به‌طور واضح و مشخص تعریف گردد و معیار و رکن هر کدام نیز بیان شود؛ تا از خلط تعاریف و اختلاف نظرها جلوگیری گردد. بدین جهت یادآوری کوتاه و مختصر تعریف و قلمرو هر کدام از تواتر لفظی و معنوی، خالی از فایده نیست تا علت خلط و اختلاف تعاریف تا حدودی روشن گردد.

ما قبلاً بیان کردیم که رکن اصلی تواتر لفظی، اتحاد و یکی بودن الفاظ روایات است و به دو قسم تقسیم می‌گردد یکی آنکه تمام روایت متعلق تواتر است مثل روایت **مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ** (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۴) و دیگری آنکه تنها بخشی از الفاظ روایات متعلق تواتر باشد؛ مانند عبارت **«مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»** از حدیث غدیر و **«إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ»** از حدیث ثقلین. در تواتر معنوی نیز بیان شد که رکن اصلی آن «مشترک بودن معنا» است. این معنای مشترک فرق ندارد مدلول مطابقی باشد یا تضمینی و یا التزامی، مهم آن است که روایات به یکی از دلالات سه‌گانه به این معنای مشترک، دلالت کنند. با این بیان مشخص شد که تواتر معنوی نیز به سه قسم تقسیم می‌گردد که عبارت‌اند از مدلول مطابقی بودن معنای مشترک، مدلول تضمینی بودن آن و مدلول التزامی بودن آن معنا. حال باتوجه به این مطلب می‌گوییم: بعضی‌ها، تواتر معنوی را به‌گونه‌ای تعریف نمودند که منطبق به قسم دوم تواتر لفظی می‌گردد و سپس در مقام تعریف تواتر اجمالی برآمده و آن را نیز به‌گونه‌ای تعریف نموده که در واقع تواتر معنوی

است نه اجمالی. در ذیل به بعضی از این تعاریف اشاره خواهد شد و در ضمن علت خلط و اختلاف نیز مشخص می‌گردد.

تعریف اول: اشتراک اخبار زیاد در مدلول تضمینی و التزامی

در کتاب معجم الاصول آمده است: هو اشتراك الإخبارات الكثيرة في المدلول التضمني أو الالتزامي دون المدلول المطابقي، (صنقور، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۵۸۵) این تعریف در حقیقت همان قسم دوم و سوم تواتر معنوی است که قبلاً توضیح داده شد و خیلی روشن است که نمی‌تواند تواتر اجمالی باشد بلکه بخش از تواتر معنوی است.

تعریف دوم: اختلاف در لفظ و معنا و علم به صدور یک روایت نامعین

آقای نائینی^۱ در این زمینه فرموده است: و أما التواتر الإجمالي فهو على ما قيل عبارة عن نقل أخبار كثيرة غير متفقة على لفظ و لا على معنى واحد إلا أنه يعلم بصدق واحد منها لامتناع كذب الجميع عادة. (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۳)

شهید صدر^۲ نیز تواتر اجمالی را به همین معنا می‌داند و ماحصل کلام ایشان آن است که: در تواتر اجمالی هیچ نقطه مشترک بین اخبار وجود ندارد؛ اما خبرها به گونه‌ای است که به صدق یکی از آنها به طور نامعین علم اجمالی حاصل می‌گردد. (شهید صدر، ۱۴۱۸: ۱۴۰/۲)

تعریف سوم: اختلاف در لفظ و معنا و برخورداری از قدر مشترک

تواتر اجمالی عبارت از مجموعه‌ای از روایات فروانی است که در باره موضوع واحدی وارد شده‌اند که هم از نظر لفظ و معنی با هم مختلف‌اند، و هم از لحاظ دلالت از جهت وسعت و ضیق با همدیگر متفاوت‌اند با این حال میان همه این روایات قدر مشترکی وجود دارد که همه نسبت آن متفق‌اند در نتیجه همان قدر مشترک اخذ و مورد عمل قرار می‌گیرد؛ مانند اخبار زیادی که در مورد حجیت خبر واحد وارد شده است با اینکه آنها از لحاظ مضامین متفاوت‌اند اما از قدر مشترکی (معنای اخص) برخوردارند که عبارت از خبر عدل امامی ضابط... است. ما اجمالاً می‌دانیم که یکی از این اخبار از معصوم^۳ صادر شده است؛ اما

مشخص نیست کدام یک؛ آیا خبری است که دارای مضمون اعم است یا اخص یا متوسط بین آن دو، اما می دانیم که خبری که دارای مضمون اخص است (قدر مشترک) حتماً از امام علیه السلام صادر شده است یا به طور مستقل یا در ضمن یکی از آن دو (سبحانی، ۱۴۲۶: ۳۷) چون در صورت که اخص باشد آن دو نیز قطعاً است.

شاید این تعریف منظور آخوند رحمته الله باشد زیرا ظاهر عبارات ایشان چه در کفایه و چه در حاشیه رسائل به این تعریف اشاره دارد. آنچه که از عبارات صاحب کفایه استفاده می شود آن است که تواتر اجمالی دارای سه ویژگی است. در ادامه به هرکدام از این ویژگی ها همراه با عبارات ایشان اشاره می کنیم. فهمیدن و دانستن تعریف منظور آخوند رحمته الله بدان جهت است که ایشان اولین فردی است که به صراحت از چنین تواتری نام می برد حال یا خود وی مبتکر چنین تواتری است که مشهور و معروف چنین است یا در کلام بزرگانی مثل شیخ انصاری رحمته الله نیز با عبارات دیگری بیان شده است (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۰۹) اما آنچه که مهم است آن است که بدانیم مقصود ایشان از تواتری اجمالی چیست.

۱. اختلاف در لفظ و معنا

تواتری اجمالی عبارت از اخباری است که در لفظ و معنا کاملاً با همدیگر متفاوت و مختلف اند. ایشان در بحث حجیت خبر واحد، در پاسخ استدلال مانعین حجیت این خبر، در حاشیه رسائل فرموده است: **و ان لم تکن متواترة لفظاً، و لا معنی لاختلفهما بحسبهما كما لا يخفى ...** (آخوند خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۱۰۴) این اخبار گرچه متواتر لفظی و معنوی نیستند؛ چون در لفظ و معنا با هم مختلف اند. در کتاب کفایه نیز همین تعبیر را دارد آنجا که فرموده است: **فإنها غير متفقة على لفظ و لا على معنى فتكون متواترة لفظاً أو معنى.** (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۲) این اخبار چون در لفظ و معنا متفق نیستند تا متواتر لفظی و معنوی باشند و مشکل دور پیش نیاید. بر اساس این دو عبارت روشن گردید که یکی از ویژگی های تواتری اجمالی، اختلاف در لفظ و معنا است.

۲. علم اجمالی به صدور بعض از روایات از ناحیه معصوم علیه السلام

ویژگی دیگری تواتر اجمالی، علم اجمالی به صدور بعض از روایات است؛ یعنی ما علم داریم به اینکه از مجموعه روایاتی که در یک موضوع وارد شده‌اند، قطعاً برخی از آنها از معصوم علیه السلام صادر گردیده است؛ زیرا عادتاً محال است که همه آنها، دروغ باشند. این ویژگی در ادامه همان عبارات فوق به صراحت بیان شده است آنجا که آمده است: **إِلَّا أَنَّهُ يَقْطَعُ بِصُدُورِ بَعْضِهَا بِحَيْثُ يَسْتَحِيلُ عَادَةُ أَنْ يَكُونَ كُلُّهَا كَاذِبَةً، وَهُوَ كَافٍ فِي الْمَنْعِ.** (خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۱۰۴) در کفایه نیز به این همین ویژگی تأکید گردیده است «**ضرورة أنه يعلم إجمالاً بصدور بعضها منهم عليه السلام**» (خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۲).

۳. دلالت بر معنای اخص (وجود قدر مشترک)

ویژگی سوم تواتر اجمالی عبارت است از وجود «قدر مشترک» در بین اخباری است که در باره یک موضوع وارد شده است. از این ویژگی با عبارات «قدر جامع»، «دلالت اخص» و «أخصها مضموناً» نیز تعبیر شده است. این ویژگی نیز از بیانات آخوند در کتاب کفایه، کاملاً قابل استفاده است؛ زیرا ایشان در ادامه عبارت قبلی آورده است: **و قضيته وإن كان حجية خبر دل على حجيتها أخصها مضموناً إلا أنه يتعدى عنه فيما إذا كان بينها ما كان بهذه الخصوصية و قد دل على حجية ما كان أعم فافهم.** (همان، ص ۳۰۲)؛ مقتضای علم اجمالی حجیت خبری است که مضمون آن از بقیه اخص است یعنی خبر ثقه عدل امامی زیرا چنین خبری قدر متیقن از بین این اخبار است.

ایشان در این عبارت، اصل این ویژگی را که «أخصها مضموناً» باشد پذیرفته است؛ اما اینکه با چنین خبری، حجیت مطلق خبر ثقه هم ثابت می‌گردد یا نه؟ مربوط به بحث ما نیست و عبارت «**إلا أنه يتعدى عنه...**» پاسخ به این سؤال است. تا اینجا ثابت گردید یکی دیگر از ویژگی‌های تواتر اجمالی وجود داشتن «قدر مشترک» در بین اخبار است. مثلاً برای اثبات حجیت خبر واحد، به مجموعه از اخبار استدلال شده است که از لحاظ لفظ و معنا با هم اختلاف دارند زیرا بعضی از آنها دلالت بر اعتبار خبر ثقه دارد بعضی دیگر بر اعتبار خبر شیعه،

دسته سوم بر معتبر بودن خبر عادل، طائفة چهارم دلالت بر اعتبار خبر ثقه عادل می‌کنند. طائفة چهارم در بین این طوایف، أخصها مضمونا است یعنی قدر متیقن و مشترک است زیرا طوایف دیگر قطعاً و به طریق اولی دلالت بر اعتبار خبر عادل ثقه دارند. بنابراین همه این روایات در قدر متیقن (دلالت اخص) که عبارت از اعتبار خبر عادل ثقه است، اشتراک دارند. باتوجه به این ویژگی‌های سه‌گانه می‌بینیم که تواتر اجمالی غیر از تواتر لفظی و معنوی است و برگشت به این دو به خصوص به تواتر معنوی ندارد؛ چرا که این تواتر به هیچ‌کدام از دلالات سه‌گانه، دلالت بر قدر متیقن و مشترک ندارد. مثال عرفی و فرضی: کسی خبر بدهد که زید ده کتاب دارد دیگری بگوید پانزده کتاب و سومی بگوید بیست کتاب و هکذا در بین این اخبار، خبر «ده کتاب» قدر مشترک و متیقن است.

اشکالات تعریف سوم

تعریف سوم که از بهترین تعریف‌ها محسوب می‌گردد نیز مورد اشکال قرار گرفته است که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

۱. عدم تفاوت ماهوی بین این تواتر و تواتر معنوی

بر اساس این تعریف بین این دو تواتر تفاوت ماهوی وجود ندارد؛ چون هر دو برخوردار از قدر مشترک است درحالی‌که در جای خودش بیان گردید که قدر مشترک که همان معنای مشترک است، رکن تواتر معنوی است.

در جواب می‌گوییم که اولاً قدر مشترک با معنای مشترک تفاوت دارد و عین هم نیستند. ثانیاً بر فرض بپذیریم که این همان است و در اصطلاح مناقشه نداشته باشیم می‌گوییم که قدر مشترک در یکی با قدر مشترک در دیگری کاملاً با همدیگر فرق دارد؛ زیرا قدر مشترک (معنای مشترک) در تواتر معنوی، مدلول تک‌تک اخبار است منتهی یا مدلول مطابقی است یا تضمنی است و یا التزامی اما قدر مشترک در تواتر اجمالی نه تنها مدلول مطابقی و تضمنی تک‌تک اخبار نیست؛ بلکه تنها مدلول التزامی یک دسته از آن روایات است که «أخصها مضمونا» است، نه اینکه مدلول همه باشد.

جواب سوم آنکه قدر مشترک (معنای مشترک) در تواتری معنوی، مدلول التزامی الفاظ است برخلاف قدر مشترک در تواتر اجمالی که مدلول التزامی عقل است؛ بنابراین تفاوت این دو به دلالت لفظی و دلالت عقلی بر می گردد؛ چون قدر مشترکی که در تواتر معنوی وجود دارد مدلول التزامی از نوع لزوم بین بالمعنی الاخص است که از التزامات لفظیه بوده و مربوط به لفظ است، یعنی لفظ به دلالت التزامی به این قدر مشترک دلالت می کند بر خلاف تواتر اجمالی که مدلول التزامی از نوع بین بالمعنی الاعم یا از نوع لزوم غیر بین است که هر دو از نوع التزامات عقلیه بوده و مربوط به عقل است. یعنی از راه عقل می توان به چنین قدر مشترکی دست یافت نه از ناحیه لفظ. بنابراین این دو کاملاً با هم متفاوت اند. (- در مورد لفظی بودن و عقلی بودن این سه نوع لزوم رجوع شود به اصول فقه مرحوم مظفر، بحث ضد، ضد عام، ج ۲، ص: ۳۵۸، طبع اهل البیت.) در نتیجه قدر مشترک و متقینی که در تواتر اجمالی وجود دارد مدلول الفاظ روایات نیست؛ بلکه از راه تأمل و دقت به دست می آید که مربوط به عقل است.

۲. عدم احتیاج به تواتر اجمالی

ما احتیاجی به چنین تواتری نداریم؛ زیرا نهایت چیزی را که برای ما ثابت می کند، قدر متیقن و قدر مشترک است درحالی که قدر مشترک را می توان از راه های دیگر نیز به دست آورد مثل سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوف به قراین و...

جواب آن است که اولاً چگونه می توان چنین قدر مشترکی را از طریق سیره عقلاً و مانند آن به دست آورد؛ مثلاً قدر مشترکی را که در اخباری آحادی که برای حجیت خبر واحد به آنها استدلال شده است، چگونه می توان از سیره عقلاً به دست آورد؟ ثانیاً بر فرض که چنین چیزی امکان داشته باشد هیچ ضربه و خدشه به تواتر اجمالی وارد نمی سازد زیرا همانگونه که از طریق سیره و امثال آن می توان به قدر مشترک دسترسی پیدا کرد از طریق تواتر اجمالی نیز می توان به این هدف دست یافت. این مسئله مثل آن می ماند که برای اثبات یک مطلب، ادله مختلفی اقامه می گردد تا بر اتقان مطلب افزوده گردد. علما از قدیم تا حال، این شیوه را داشته و دارد و یک امر کاملاً متداول و مرسوم است.

۳. محدود بودن قلمرو

این تواتر تنها در خبر واحد کاربرد دارد و در سایر مواردی که ادعا شده است کاربرد ندارد یعنی نمی توان مدعا را ثابت کرد چون مبتنی بر قدر مشترک است که اخص است در حالی که مدعا اعم از آن است یعنی دلیل اخص از مدعا است. در نتیجه چنین تواتری قلیل الجدوی است. این اشکال شاید مهم ترین اشکال محسوب گردد؛ اما جوابش آن است که این حرف، صرف ادعا است. باید مواردی را که در آنجا ادعای تواتر شده است کاملاً بررسی کرد که آیا دلیل اعم از مدعا است یا خیر. اما از آنجا که بررسی تک تک آن موارد از ظرفیت این تحقیق خارج است و نیاز به پژوهش جداگانه ای دارد، از ورود به آن خودداری گردید. اشکالات دیگری نیز بر این تعریف و تعریف های قبل وارد شده است (حسینی زیدی، و روشن ضمیر، ۱۳۹۶، سال ۱۴، ش ۳، پیاپی ۳۵) که نیاز به ذکر و رد آنها نیست؛ زیرا اولاً موجب به درازا کشیده شدن مطلب می گردد ثانیاً از اهمیت قابل ملاحظه نیز برخوردار نیست.

نتیجه

خبر متواتر دارای اقسام سه گانه است که عبارت اند از: متواتر لفظی، معنوی و اجمالی. متواتر لفظی عبارت از متواتری است که همه گزارشگران مضمون آن را در قالب یک لفظ، گزارش کرده باشند. برخلاف متواتر معنوی که مضمون آن در قالب الفاظ مختلف بیان گردیده است. «لفظ واحد» رکن تواتر لفظی است، «معنای مشترک» رکن تواتر معنوی. متواتر اجمالی دارای سه ویژگی است که عبارت اند از: اختلاف در لفظ و معنا، علم اجمالی به صدور بعض از اخبار از معصوم علیه السلام و برخورداری از قدر مشترک که از آن با عبارات «قدر جامع»، «دلالت اخص» و «أخصها مضموناً» نیز تعبیر شده است. تواتر به نحو کلی دارای شرایطی است که بعضی از آنها مربوط به تحقق تواتر است و بعضی دیگر مربوط به حصول علم. از بین اقسام تواتر، تواتر معنوی از مصادیق و مواردی زیادی برخوردار است. در تواتر اجمالی اختلافی نسبتاً شدیدی وجود دارد عده ای آن را از اساس قبول ندارند عده ای دیگر هم در تعریف آن اتفاق نظر ندارند. ریشه این اختلاف، ابهامی

است که در این تواتر وجود دارد. اشکالات متعددی بر این تواتر شده است از قبیل: عدم تمایز بین این تواتر و تواتر معنوی، عدم احتیاج و محدود بودن قلمرو. این اشکالات قابل رد است در نتیجه چنین تواتری وجود دارد. خلط تعاریف موجب شدت اختلاف و سردرگمی شده است. راه حل آن، بیان تعریف جامع برای هرکدام است که در این تحقیق برای رسیدن به این هدف تلاش شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ۱۴۱۰، درر الفوائد فی الحاشية علی الفرائد؛ الحاشية الجدید، تهران، مؤسسة النشر و الطبع التابعة لوزارة الثقافة، والارشاد الاسلامی.

_____، ۱۴۰۹، کفاية الأصول، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.

ابن الصلاح، عبدالرحمن الشهرزوری، ۱۴۰۶هـ-۱۹۸۶م، علوم الحديث، تحقیق و شرح: نورالدین عتر، بیروت، دمشق، دارالفکر.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، دوم، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، ۱۳۷۶ش، دوم، معالم الاصول، قم، قدس.

ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، مصحح: هارون، عبد السلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن قتیبه، عبد الله مسلم، ۱۴۰۸ق، غریب الحديث، تحقیق: عبد الله جبوری، قم، دار الکتب العلمیة.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، سوم، لسان العرب، بیروت، دار صادر.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۲۸ق، نهم، فرائد الأصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.

جزایری، محمد جعفر، ۱۴۱۵ق، منتهی الدرایة فی توضیح الکفاية، قم، مؤسسة دار الکتب.

حسینی فیروزآبادی، مرتضی، ۱۴۰۰ق، چهارم، عناية الأصول فی شرح کفاية الأصول، قم، کتاب فروشی فیروز آبادی.

حسینی شیرازی، محمد، ۱۴۲۶ق، الوصول الى کفاية الاصول، قم، دار الحکمة.

حکیم، سید محمد تقی، ۱۴۱۸هـ، چاپ دوم، الاصول العامة، تهران، المجمع العالمی لاهل البيت.

حلی، حسن، اصول الفقه، ۱۴۳۲ق، قم، مکتبة الفقه و الاصول المختصه.

خویی، ابوالقاسم، ۱۳۵۲ش، اجودت التقريرات، تقریرات درس نائینی، محمد حسین، قم، مطبعة العرفان.

دکتر عبدالکریم زیدان دکتر عبدالقهار داوود عبدالله، ۱۴۰۹هـ/۱۹۹۰م، علوم الحديث، بغداد،

انتشارات عصام.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن بیروت، دار القلم
رحمانی، محمد، ۱۱/۵/۱۳۸۸، بحثهای مقارن در علم الحديث (۲) خبر متواتر، فصلنامه علوم
حدیث، شماره ۵،

سبحانی، جعفر، ۱۴۲۶ق، الرابعة، اصول الحديث و احكامه فی علم الدراية، قم، مؤسسة
الامام الصادق عليه السلام.

سید ابوالقاسم حسینی زیدی، محمد ابراهیم روشن ضمیر، پایز ۱۳۹۶، واکاوی تواتر اجمالی و
گستره دلالت آن، فصلنامه علمی پژوهشی «تحقیقات علوم و حدیث» دانشگاه الزهراء (س) سال
چهاردهم، شماره ۳، پایپ ۳۵.

سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، دارالکتب العلمیه.
شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۸ق، الرعاية فی علم الدراية، تحقیق: عبد الحسین محمد
علی بقال، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی العامه.

شیخ بهایی، محمد بن حسین، ۱۳۹۰ق، الوجیزة فی علم الدراية، قم، نشر بصیرتی.
صدر، حسن، بی تا، نهایه الدرايه فی شرح الرساله الموسومه بالوجیزه للبهائی، تحقیق: ماجد
غرباوی، قم، نشر المشعر.

صدر، محمد باقر، ۱۴۱۸ق، پنجم، دروس فی علم الاصول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
صنقر، ۱۴۲۸ق، دوم، محمد، المعجم الأصولی، قم، منشورات الطیار.
طباطبائی، محمدحسین، بی تا، حاشیه کفایة الاصول، قم بنیاد علمی فکری علامه طباطبائی،
بی جا.

طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، چهارم، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران، دار الکتب
الإسلامیه.

عاملی، حسن زین الدین، بی تا، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
العسقلانی، إمام أحمد بن حجر، ۱۴۲۲هـ، نزهة النظر فی توضیح نخبة الفكر فی مصطلح
أهل الأثر، الرياض، مطبعة سفیر.

الغزالی، محمد بن محمود، ۱۳۲۴هـ، المستطفی فی علم الاصول، القاهرة، المطبعة الامیریه.
فیومی، احمد بن احمد، ۱۴۱۴ق، دوم، مصباح المنیر، قم، موسسه دار الهجرة.

قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۰ش، ششم، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
کاظمی، محمد علی، ۱۳۷۶ش، فوائد الأصول، تقریرات درس نائینی، محمد حسین، قم، جامعہ مدرسین.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دار الحدیث.
مامقانی، عبدالله، ۱۳۸۵ش، مقباس الهدایة، قم، انتشارات دلیل ما.
مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفا، (دار احیاء التراث العربی).
محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۲۳ق، معارج الاصول، (طبع جدید) لندن، مؤسسه امام علی (علیه السلام).

محمدی بامیانی، غلامعلی، ۱۴۳۰ق، دروس فی الکفایة، بیروت، دار المصطفی لاهیات التراث.
مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، سوم، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، قاهره، لندن، دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مظفر محمد، محمد رضا، ۱۴۳۰ق، پنجم، اصول الفقه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
_____، ۱۴۲۷ق، پازدهم، اصول الفقه، قم، اسماعیلان.
منتظری، حسینعلی، ۱۴۱۵ق، نهاية الاصول، قم، انتشارات القدس.
میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، ۱۴۳۰ق، القوانين المحکمة فی الاصول، (طبع جدید)، قم، احیاء الکتب الاسلامیه.

